خبر

تصمیم تازه حزب کمونیست چین برای تشدید نظارت بر مقامات

شی جین‌پینگ در تدارک خانه‌تکانی بزرگ

ابتکار- حزب کمونیست چین در آستانه یکی از مهم‌ترین مقاطع انتقال قدرت در ساختار سیاسی این کشور، تصمیم گرفته نظارت بر مقام‌های دولتی و حزبی را تشدید کند. تصمیمی که در ظاهر با هدف مقابله با فساد و افزایش انضباط اداری اتخاذ شده، اما پیامدهای آن می‌تواند فراتر از اصلاح ساختار بوروکراسی باشد. در شرایطی که شی جین‌پینگ برای تثبیت جایگاه خود در کنگره سال آینده حزب آماده می‌شود، تشدید نظارت بر مقام‌ها از تلاش پکن برای بازآرایی ساختار قدرت و افزایش هماهنگی دستگاه‌های اجرایی با سیاست‌های رهبری حکایت دارد.

به گزارش رویترز، حزب کمونیست چین مجموعه‌ای از تدابیر جدید را برای تقویت انضباط داخلی تصویب کرده است. این اقدامات شامل افزایش نظارت بر عملکرد مقام‌ها در طول دوران مسئولیت، بررسی دقیق‌تر اطلاعات شخصی و مالی آنان و رسیدگی به مواردی است که دارایی یا هزینه‌های خانوادگی با درآمد قانونی تناسب ندارد.

همچنین فعالیت‌های اقتصادی همسران، فرزندان و دیگر بستگان نزدیک مقام‌های ارشد با حساسیت بیشتری بررسی خواهد شد. هدف اعلام‌شده این سیاست‌ها جلوگیری از سوءاستفاده از موقعیت اداری و محدود کردن زمینه‌های فساد در شبکه‌های خانوادگی و اقتصادی است. اهمیت این تصمیم در آن است که نظارت دیگر صرفاً به عملکرد رسمی مقام‌ها محدود نمی‌شود، بلکه ارتباطات اقتصادی و خانوادگی آنان را نیز در بر می‌گیرد. مبارزه با فساد از زمان به قدرت رسیدن شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۲، یکی از محورهای اصلی سیاست داخلی چین بوده است. در این مدت، شمار زیادی از مقام‌های حزبی، دولتی و نظامی تحت پیگردهای انضباطی قرار گرفته‌اند. به گزارش رویترز، نشست اخیر کمیته مرکزی حزب کمونیست با اخراج ۳۳ مقام ارشد همراه بوده است. همچنین از میان ۳۷۶ عضو اصلی و علی‌البدل تعیین‌شده در سال ۲۰۲۲، تنها ۲۷۹ نفر در نشست اخیر حضور داشتند؛ آماری که گستردگی تغییرات در ساختار رهبری را نشان می‌دهد. بااین‌حال، افزایش برخوردهای انضباطی الزاماً به معنای افزایش فساد نیست؛ زیرا گسترش دامنه نظارت و سخت‌گیرانه‌تر شدن معیارهای ارزیابی نیز می‌تواند بر تعداد پرونده‌ها تأثیر بگذارد. سیاست‌های جدید حزب کمونیست دو برداشت متفاوت را به همراه داشته است. از نگاه مقام‌های چینی، تقویت نظارت و برخورد با فساد برای حفظ کارآمدی نظام اداری و جلوگیری از تضعیف اعتماد عمومی ضروری است. در مقابل، برخی تحلیلگران معتقدند تمرکز گسترده اختیارات نظارتی می‌تواند به تحکیم موقعیت رهبری و محدود شدن استقلال مقام‌های اجرایی نیز منجر شود. این دو هدف لزوماً از یکدیگر جدا نیستند. در ساختار سیاسی چین، وفاداری به رهبری حزب و اجرای مؤثر تصمیم‌های مرکزی، بخشی از معیارهای ارزیابی عملکرد محسوب می‌شود. بنابراین، مبارزه با فساد هم‌زمان می‌تواند ابزاری برای اصلاح اداری و تقویت انسجام سیاسی باشد. تشدید نظارت بر مقام‌ها برای اقتصاد چین نیز اهمیت دارد. در کشوری که تصمیم‌های دولت‌های محلی و نهادهای حزبی نقش گسترده‌ای در سرمایه‌گذاری و اجرای پروژه‌های توسعه‌ای دارند، کیفیت عملکرد مدیران مستقیماً بر فعالیت اقتصادی اثر می‌گذارد. کاهش فساد می‌تواند شفافیت و اعتماد سرمایه‌گذاران را تقویت کند، اما سخت‌گیری بیش‌ازحد نیز ممکن است برخی مدیران را از پذیرش مسئولیت و تصمیم‌گیری‌های پرریسک بازدارد.

چالش اصلی پکن ایجاد توازن میان نظارت مؤثر و حفظ ابتکار عمل مدیران است؛ موضوعی که در شرایط فشارهای اقتصادی و رقابت فناوری با آمریکا اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. تصمیم تازه حزب کمونیست در فاصله کمتر از یک سال تا بیست‌ویکمین کنگره حزب اتخاذ شده است؛ نشستی که انتظار می‌رود تغییرات مهمی در ترکیب نهادهای رهبری ایجاد کند. شی جین‌پینگ نیز احتمالاً برای ادامه رهبری حزب در دوره‌ای دیگر تلاش خواهد کرد. ازاین‌رو، نظارت گسترده بر مقام‌ها می‌تواند زمینه انتخاب مدیرانی هماهنگ‌تر با سیاست‌های مرکزی را فراهم کند. در مجموع، تحولات اخیر نشان می‌دهد پکن مبارزه با فساد را نه یک برنامه مقطعی، بلکه بخشی از راهبرد بلندمدت حکمرانی می‌داند. موفقیت این رویکرد به آن بستگی خواهد داشت که سخت‌گیری‌های تازه تا چه اندازه به افزایش شفافیت، بهبود عملکرد دستگاه‌های اجرایی و حفظ پویایی اقتصادی منجر شود. آزمون اصلی سیاست جدید چین، فراتر از تعداد مقام‌های برکنارشده، در نتایج عملی آن برای اداره دومین اقتصاد بزرگ جهان خواهد بود.

«ابتکار» در آستانه انتخابات میان‌دوره آمریکا بررسی می‌کند

نبرد میلیاردرها برای فتح کنگره

گروه بین‌الملل - تنها دو روز مانده به انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا، رقابت جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها از عرصه مناظره‌های سیاسی فراتر رفته و به میدان رویارویی صاحبان بزرگ‌ترین ثروت‌های این کشور تبدیل شده است. درحالی‌که میلیون‌ها آمریکایی خود را برای رأی‌گیری سوم نوامبر آماده می‌کنند، میلیاردها دلار سرمایه به سوی کارزارهای انتخاباتی سرازیر شده و پرسش قدیمی درباره نسبت پول و قدرت سیاسی را دوباره مطرح کرده است. انتخابات امسال نه‌تنها سرنوشت اکثریت کنگره و آینده دولت دونالد ترامپ را مشخص خواهد کرد، بلکه می‌تواند نشان دهد نفوذ اقتصادی ثروتمندان تا چه اندازه بر سازوکارهای دموکراتیک آمریکا سایه انداخته است.



نفوذ سرمایه‌داران به جمهوری خواهان محدودنیست. دموکرات‌ها نیز از حمایت چهره‌های ثروتمندی‌مانند جورج سوروس، مایکل بلومبرگ و رید هافمن برخوردارند

انتخابات یازده میلیارد دلاری

به گزارش ایرنا به نقل از نیوزویک، هزینه‌های انتخاباتی در آمریکا به سطحی کم‌سابقه رسیده است. برآوردها نشان می‌دهد مجموع هزینه تبلیغات انتخاباتی در سال ۲۰۲۶ ممکن است به ۱۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار برسد؛ رقمی که از هزینه تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ نیز فراتر می‌رود.

این افزایش چشمگیر در شرایطی رخ داده که بخش قابل توجهی از جامعه آمریکا با نگرانی درباره هزینه‌های زندگی، تورم و آینده اقتصادی روبه‌رو است. در چنین فضایی، اختصاص میلیاردها دلار به تبلیغات سیاسی، تضادی قابل توجه میان دغدغه‌های روزمره رأی‌دهندگان و منابع مالی کارزارهای انتخاباتی ایجاد کرده است.

البته هزینه بیشتر الزاماً به معنای پیروزی انتخاباتی نیست، اما توانایی نامزدها برای حضور گسترده در رسانه‌ها، سازمان‌دهی رأی‌دهندگان و تأثیرگذاری بر دستور کار سیاسی را افزایش می‌دهد. همین مسئله باعث شده رقابت بر سر تأمین منابع مالی به یکی از تعیین‌کننده‌ترین بخش‌های انتخابات تبدیل شود.

ماسک؛ بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار سیاسی

در میان حامیان مالی جمهوری‌خواهان، نام ایلان ماسک بیش از دیگران جلب توجه می‌کند. به گزارش گاردین، مالک شرکت‌های تسلا و اسپیس‌ایکس تا ۲۹ اکتبر دست‌کم ۴۴۵ میلیون و ۷۷۰ هزار دلار به کمیته‌ها و گروه‌های سیاسی همسو با جمهوری‌خواهان کمک کرده است.

بخش بزرگی از این منابع به کمیته اقدام سیاسی «آمریکا پک» اختصاص یافته که در ده‌ها رقابت مجلس نمایندگان و سنا فعالیت دارد. یکی از مهم‌ترین میدان‌های هزینه‌کرد این تشکیلات، انتخابات سنای تگزاس و حمایت از کن پکستون، نامزد جمهوری‌خواه، بوده است.

اهمیت حضور ماسک صرفاً به میزان کمک‌های مالی محدود نمی‌شود. او مالک شبکه اجتماعی ایکس نیز هست و می‌تواند پیام‌های سیاسی مورد حمایت خود را مستقیماً در معرض دید میلیون‌ها مخاطب قرار دهد.

ترکیب سرمایه اقتصادی، مالکیت رسانه‌ای و ارتباط نزدیک با ساختار قدرت، موقعیتی ایجاد کرده که در آن یک فعال اقتصادی می‌تواند هم تأمین‌کننده منابع تبلیغاتی باشد و هم در شکل‌دهی به فضای رسانه‌ای رقابت نقش ایفا کند.

دموکرات‌ها و میلیاردرهای خودشان

بااین‌حال، نفوذ سرمایه‌داران به جمهوری‌خواهان محدود نیست. دموکرات‌ها نیز از حمایت چهره‌های ثروتمندی مانند جورج سوروس، مایکل بلومبرگ و رید هافمن برخوردارند. بر اساس گزارش الجزیره، سوروس و شبکه مالی مرتبط با او حدود ۱۰۲ میلیون دلار، بلومبرگ حدود ۸۴ میلیون دلار و هافمن و همسرش حدود ۴۱ میلیون دلار به گروه‌های همسو با دموکرات‌ها کمک کرده‌اند. این ارقام نشان می‌دهد وابستگی کارزارهای انتخاباتی به منابع مالی بزرگ، مسئله‌ای دوحزبی است؛ هرچند حجم کمک‌ها و اولویت‌های سیاسی سرمایه‌گذاران تفاوت دارد. در واقع، رقابت انتخاباتی آمریکا به عرصه‌ای تبدیل شده که گروه‌های مختلف اقتصادی برای پیشبرد سیاست‌های مطلوب خود از نامزدها و احزاب حمایت می‌کنند. نتیجه چنین روندی می‌تواند افزایش فاصله میان شهروندان عادی و شبکه‌های قدرتمند تأمین مالی سیاست باشد.

چهل نفر، میلیاردها دلار

ابعاد تمرکز سرمایه در انتخابات زمانی روشن‌تر می‌شود که آمار بزرگ‌ترین کمک‌کنندگان بررسی شود. مرکز برنان برای عدالت گزارش داده است که تنها ۴۰ حامی مالی بزرگ انتخابات میان‌دوره‌ای، تا اواسط اکتبر بیش از دو میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار کمک کرده‌اند.

این رقم، با درنظرگرفتن تورم، حدود هشت برابر مجموع کمک‌های بزرگ‌ترین حامیان مالی انتخابات میان‌دوره‌ای سال ۲۰۱۴ است.

چنین تمرکزی به معنای آن نیست که ثروتمندان مستقیماً نتیجه انتخابات را تعیین می‌کنند، اما نشان می‌دهد گروه کوچکی از افراد به امکاناتی برای تأثیرگذاری بر فضای رقابت دسترسی دارند که برای اکثریت شهروندان فراهم نیست. از سوی دیگر، منابع مالی گسترده می‌تواند بر انتخاب موضوعات تبلیغاتی، برجسته‌سازی برخی مسائل و حتی میزان توجه رسانه‌ها به نامزدهای مختلف اثر بگذارد.

نگرانی رأی‌دهندگان از نفوذ ثروت

افزایش نقش میلیاردرها با نگرانی بخش قابل توجهی از افکار عمومی آمریکا همراه شده است. به گزارش ایرنا، در نظرسنجی مورد اشاره نیوزویک، ۶۱ درصد پاسخ‌دهندگان معتقد بوده‌اند میلیاردرها نفوذ بیش‌ازحدی در سیاست دارند.

این دیدگاه تنها به طرفداران دموکرات محدود نیست؛ زیرا ۵۵ درصد از رأی‌دهندگان ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ نیز چنین نگرانی‌ای را مطرح کرده‌اند.

همچنین نظرسنجی شرکت هریس در سال ۲۰۲۵ نشان داده بود که ۵۳ درصد آمریکایی‌ها میلیاردرها را تهدیدی برای دموکراسی می‌دانند.

این آمار از شکل‌گیری شکافی فراتر از مرزبندی‌های حزبی حکایت دارد. بسیاری از رأی‌دهندگان، با وجود اختلاف درباره سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی، در نگرانی نسبت به تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی اشتراک نظر دارند.

میراث یک تصمیم قضایی

افزایش نفوذ پول در انتخابات آمریکا را نمی‌توان بدون توجه به ساختار حقوقی تأمین مالی کارزارها بررسی کرد. رأی سال ۲۰۱۰ دیوان عالی آمریکا در پرونده «شهروندان متحد علیه کمیسیون انتخابات فدرال» محدودیت‌های مهمی را بر هزینه‌کرد مستقل انتخاباتی شرکت‌ها و اتحادیه‌ها برداشت.

در سال‌های بعد، کمیته‌های اقدام سیاسی مستقل یا «سوپرپک‌ها» به ابزار مهمی برای جذب و هزینه‌کرد کمک‌های کلان تبدیل شدند. این تشکیلات می‌توانند مبالغ نامحدودی دریافت کنند، مشروط بر آنکه فعالیت انتخاباتی خود را مستقل از ستاد رسمی نامزدها انجام دهند.

حامیان این ساختار معتقدند هزینه‌کرد سیاسی بخشی از آزادی بیان است. منتقدان اما هشدار می‌دهند که آزادی هزینه‌کرد نامحدود، در عمل به شهروندان ثروتمند امکان می‌دهد صدای بلندتری در فضای سیاسی داشته باشند.

کالیفرنیا؛ نبرد بر سر مالیات ثروت

رقابت میلیاردرها تنها به حمایت از نامزدهای کنگره محدود نشده است. در کالیفرنیا، پیشنهاد وضع مالیات یک‌باره پنج‌درصدی بر دارایی خالص میلیاردرهای مشمول، به موضوعی جنجالی تبدیل شده است.

به گزارش ایرنا، طراحان این پیشنهاد استدلال می‌کنند که درآمد حاصل از آن می‌تواند به حفظ خدمات درمانی و جبران بخشی از فشارهای بودجه‌ای کمک کند. در مقابل، سرگئی برین، از بنیان‌گذاران گوگل، حدود ۱۰۲ میلیون دلار برای مخالفت با این طرح اختصاص داده است.

این مناقشه نشان می‌دهد سرمایه‌داران بزرگ علاوه بر تلاش برای تأثیرگذاری بر ترکیب کنگره، در تصمیم‌گیری‌های مستقیم رأی‌دهندگان درباره سیاست‌های مالیاتی نیز حضور پررنگی دارند.

مسئله اصلی در اینجا تضاد میان دو نگاه است: ضرورت مشارکت بیشتر صاحبان ثروت در تأمین هزینه‌های عمومی و نگرانی درباره پیامدهای مالیات سنگین برای سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی.

کنگره؛ جایزه اصلی رقابت

اهمیت انتخابات سوم نوامبر به ترکیب آینده مجلس نمایندگان و یک‌سوم کرسی‌های سنا مربوط می‌شود. جمهوری‌خواهان در حال حاضر کنترل هر دو مجلس را در اختیار دارند و حفظ این اکثریت برای ادامه برنامه‌های دولت ترامپ اهمیت فراوانی دارد.

پیروزی دموکرات‌ها در یکی از دو مجلس می‌تواند نظارت بر دولت را افزایش دهد و تصویب برخی برنامه‌های اقتصادی و سیاسی رئیس‌جمهوری را دشوارتر کند.

در مقابل، حفظ اکثریت جمهوری‌خواهان به ترامپ امکان می‌دهد با موانع کمتری برنامه‌های خود را دنبال کند.

به همین دلیل، سرمایه‌گذاران سیاسی انتخابات امسال را صرفاً رقابتی میان چند نامزد نمی‌بینند؛ بلکه آن را فرصتی برای تأثیرگذاری بر جهت‌گیری دو سال آینده سیاست آمریکا ارزیابی می‌کنند.

آیا پول بر رأی غلبه می‌کند؟

با وجود هزینه‌های بی‌سابقه، نمی‌توان نتیجه گرفت که ثروتمندان قادرند نتیجه انتخابات را خریداری کنند. رفتار رأی‌دهندگان همچنان تحت تأثیر عملکرد دولت، وضعیت اقتصادی، هویت حزبی و مسائل محلی قرار دارد.

بااین‌حال، پول می‌تواند تعیین کند کدام پیام بیشتر شنیده شود، کدام نامزد امکان سازمان‌دهی گسترده‌تری داشته باشد و کدام موضوع در مرکز منازعات انتخاباتی قرار گیرد.

انتخابات ۲۰۲۶ از این منظر آزمونی مهم برای دموکراسی آمریکاست. اگرچه رأی نهایی همچنان در صندوق‌های انتخابات ثبت می‌شود، اما مسیر رسیدن پیام‌ها به رأی‌دهندگان بیش از گذشته تحت تأثیر منابع مالی بزرگ قرار گرفته است.

پرسش اساسی دیگر تنها این نیست که کدام حزب کنترل کنگره را به دست می‌گیرد؛ بلکه این است که آیا ساختار سیاسی آمریکا می‌تواند میان حق مشارکت صاحبان سرمایه و اصل برابری سیاسی شهروندان توازن برقرار کند؟ پاسخی که پیامدهای آن فراتر از انتخابات سوم نوامبر خواهد بود.

معامله بزرگ هند با اسرائیل

از بوئینگ مسافربری تا سوخت‌رسان جنگی

صنایع هوافضای رژیم صهیونیستی در آستانه عقد قراردادی ۹۰۵ میلیون دلاری با هند برای تبدیل شش بوئینگ ۷۶۷ به سوخت‌رسان‌های هوایی قرار دارد؛ توافقی که می‌تواند نفوذ نظامی تل‌آویو در بازار دهلی‌نو را افزایش دهد.

بر اساس گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌های هندی و وب‌سایت‌های متخصص امور نظامی، صنایع هوافضای رژیم صهیونیستی در آستانه برنده شدن یک قرارداد نظامی به ارزش حدود ۹۰۵.۷ میلیون دلار در هند است تا ۶ فروند هواپیمای مسافربری را به سوخت‌رسان‌های هوایی برای نیروی هوایی هند تبدیل کند.

طبق گزارش‌ها، این شرکت اسرائیلی تنها شرکتی است که مرحله دریافت تایید را در مناقصه‌ای که توسط دهلی‌نو برگزار شد، پشت سر گذاشت؛ در این مناقصه، شرکت‌های روسی و اروپایی نیز شرکت داشتند.

به گزارش وب‌سایت «i24NEWS»، اگر با پیشنهاد رژیم صهیونیستی موافقت شود، این شرکت ۶ هواپیمای بوئینگ ۷۶۷ را به سوخت‌رسان‌های هوایی تبدیل خواهد کرد و حداقل ۳۰٪ از کار پروژه در داخل هند انجام خواهد شد.

گزارش‌های قبلی در رسانه‌های هند حاکی از این هستند که شرکت Hindustan Aeronautics Limited (HAL) شریک محلی در اجرای این توافق‌نامه خواهد بود.

این توافق احتمالی به عنوان بخشی از همکاری رو به رشد میان صنایع هوافضای رژیم صهیونیستی و هند، در راستای ابتکار «ساخت هند» که نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند با هدف تقویت تولید داخلی و کاهش وابستگی به واردات ارائه کرد، صورت می‌گیرد.

در مارس ۲۰۲۴، صنایع هوافضای رژیم صهیونیستی با همکاری سازمان تحقیق و توسعه دفاعی هند (DRDO) یک شرکت تابعه در دهلی‌نو به نام خدمات هوافضای هند (ASI) تاسیس کرد.

این شرکت تقریبا ۵۰ نفر را استخدام کرده که ۹۷٪ آنها تبعه هند هستند و دفتر مرکزی آن در دهلی‌نو با شعبه‌هایی در نقاط مختلف این کشور قرار دارد. این شرکت معاملات خود را با روپیه هند انجام می‌دهد و در فعالیت‌های مربوط به سامانه دفاع هوایی میان‌برد (MRSAM) مشارکت دارد.

این سامانه به طور مشترک توسط صنایع هوافضای رژیم صهیونیستی و سازمان تحقیق و توسعه دفاعی هند (DRDO) توسعه داده شده است و توسط ارتش، نیروی هوایی و نیروی دریایی هند مورد استفاده قرار می‌گیرد. این سامانه شامل یک رادار پیشرفته، یک سیستم فرماندهی و کنترل، پرتابگرهای متحرک و موشک‌های رهگیر برای مقابله با انواع تهدیدات هوایی است.

این قرارداد برای دهلی‌نو از اهمیت استراتژیکی برخوردار است چرا که نیروی هوایی آن در حال حاضر برای سوخت‌گیری به ۶ هواپیمای روسی ایلیوشین ایل-۷۸ متکی است و طبق ارزیابی‌ها این هواپیماها از نظر کیفیت و کمیت، نیازهای عملیاتی آن را برآورده نمی‌کنند.

هند در طول چند سال گذشته تلاش کرده است تا هواپیماهای جدیدی را برای این منظور خریداری کند، اما این روند به دلیل هزینه‌های بالا و مشکلات فنی با تاخیر مواجه شده است و همین امر باعث شده که این کشور گزینه تبدیل هواپیماهای مسافربری به هواپیماهای سوخت‌رسان نظامی را بررسی کند. در این میان، هند به عنوان یک راه حل موقت به اجاره هواپیماهای سوخت‌رسان روی آورده است.

تکمیل این قرارداد، جایگاه صنایع هوافضای رژیم صهیونیستی را در بازار دفاعی هند تقویت کرده و همکاری میان ۲ طرف را در حوزه‌های هوانوردی نظامی و سیستم‌های دفاع هوایی گسترش خواهد داد.

خبر

ابتکار از آموزن تازه دولت‌ها در قاره سبز گزارش می‌دهد

نسل معترض پشت دروازه‌های اروپا

موج اعتراضات جوانان اروپایی که طی روزهای اخیر در فرانسه و آلمان گسترش یافته، اکنون به سوئیس نیز رسیده است؛ کشوری که معمولاً با ثبات اقتصادی، رفاه اجتماعی و آرامش سیاسی شناخته می‌شود. درگیری‌های شنبه‌شب در زوریخ و بازل، بار دیگر توجه‌ها را به نارضایتی بخشی از نسل جوان اروپا جلب کرده است. بااین‌حال، آنچه در خیابان‌های این کشورها جریان دارد، صرفاً مجموعه‌ای از تجمعات مشابه نیست؛ بلکه نشانه‌هایی از افزایش حساسیت نسل جدید نسبت به آینده اقتصادی، اولویت‌های بودجه‌ای دولت‌ها و میزان تأثیرگذاری خود بر تصمیم‌های سیاسی را آشکار می‌کند.

گروه‌هایی از جوانان شنبه‌شب در زوریخ و بازل تجمع کردند و برخی از این تجمعات به درگیری با پلیس انجامید. در زوریخ، شماری از افراد نقابدار با استفاده از سطل‌های زباله و وسایل موجود در خیابان موانعی ایجاد کرده و آنها را به آتش کشیدند. پلیس نیز برای متفرق کردن جمعیت از خودروهای آب‌پاش استفاده کرد.

رسانه عمومی سوئیس گزارش داده است که چندصد نفر در زوریخ و حدود ۱۵۰ نفر در بازل حضور داشتند. این اعتراضات با خسارت به اموال عمومی و اختلال موقت در حمل‌ونقل همراه شد.

اگرچه برخی شعارهای معترضان از تحولات فرانسه و آلمان الهام گرفته بود، هنوز نمی‌توان تمامی شرکت‌کنندگان را بخشی از جنبشی واحد با سازمان‌دهی مشترک دانست.

در آلمان، مطالبات معترضان ماهیتی مشخص‌تر داشت. به گزارش ایسنا، دانش‌آموزان و دانشجویان در شهرهای مختلف علیه کاهش هزینه‌های عمومی، محدودیت منابع آموزشی و برنامه‌های مرتبط با احیای خدمت سربازی اجباری تجمع کردند.

بسیاری از شرکت‌کنندگان معتقدند افزایش بودجه نظامی نباید به کاهش اعتبارات آموزش، خدمات اجتماعی و حمایت‌های رفاهی منجر شود. آنان همچنین نسبت به آینده شغلی و اقتصادی خود ابراز نگرانی کرده‌اند. این مطالبات نشان می‌دهد اعتراضات جوانان را نمی‌توان صرفاً واکنشی احساسی یا مقطعی دانست. برای بخشی از نسل جدید، مسئله اصلی نحوه تقسیم منابع عمومی و جایگاهی است که در تصمیم‌گیری‌های آینده کشورشان دارند. نسل زد در شرایطی وارد عرصه اجتماعی و اقتصادی شده که اروپا با مجموعه‌ای از چالش‌ها، از فشار هزینه‌های زندگی تا افزایش مخارج دفاعی، مواجه است.

در چنین فضایی، اختلاف بر سر اولویت‌های بودجه‌ای می‌تواند به شکافی میان نسل‌ها تبدیل شود. جوانانی که خواهان سرمایه‌گذاری بیشتر در آموزش، مسکن و اشتغال هستند، ممکن است سیاست‌های دولت‌ها را متناسب با نیازهای خود ندانند. بااین‌حال، نباید تمامی جوانان اروپا را دارای مطالبات یکسان تصور کرد. شرایط اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف متفاوت است و انگیزه شرکت‌کنندگان در اعتراضات نیز الزاماً مشابه نیست.

یکی از چالش‌های مهم این تحولات، تمایز میان اعتراض مسالمت‌آمیز و اقدامات خشونت‌آمیز است. درحالی‌که تجمع اصلی برلین، بنا بر اعلام پلیس، بدون حادثه جدی پایان یافت، در برخی شهرهای آلمان و سوئیس درگیری و تخریب اموال رخ داد.

این تفاوت اهمیت دارد؛ زیرا تعمیم رفتار گروه‌های خشونت‌طلب به تمامی معترضان می‌تواند ماهیت مطالبات اجتماعی را تحت‌الشعاع قرار دهد. در مقابل، تخریب اموال عمومی نیز هزینه‌های مستقیمی برای شهروندان ایجاد می‌کند و ممکن است حمایت اجتماعی از اعتراضات را کاهش دهد. گسترش تجمعات جوانان به کشورهای مختلف نشان می‌دهد دولت‌های اروپایی با مسئله‌ای فراتر از مدیریت خیابان‌ها روبه‌رو هستند. پاسخ امنیتی ممکن است در کوتاه‌مدت از تشدید درگیری جلوگیری کند، اما به‌تنهایی نمی‌تواند نگرانی‌های مربوط به آینده اقتصادی و مشارکت سیاسی را برطرف سازد. در مقابل، گفت‌وگو با نمایندگان جوانان و شفاف‌سازی درباره اولویت‌های بودجه‌ای می‌تواند زمینه کاهش فاصله میان دولت‌ها و نسل جدید را فراهم کند.

در نهایت، اهمیت تحولات اخیر نه در تعداد تجمعات، بلکه در پرسشی است که پیش روی سیاستمداران اروپا قرار می‌دهد: آیا ساختارهای سیاسی موجود می‌توانند مطالبات نسلی را که آینده خود را در تصمیم‌های امروز جست‌وجو می‌کند، به‌موقع بشنوند؟ پاسخ به این پرسش، در تعیین مسیر اعتراضات آینده نقش مهمی خواهد داشت.

چراغ سبز ترامپ به رئیس‌جمهوری اوکراین برای شرکت در نشست گروه بیست

میامی؛ میز تازه پوتین و زلنسکی؟

اظهارات تازه دونالد ترامپ درباره احتمال دعوت از ولودیمیر زلنسکی به نشست گروه ۲۰ در آمریکا، بار دیگر نگاه‌ها را به تلاش‌های دیپلماتیک برای پایان جنگ اوکراین معطوف کرده است. رئیس‌جمهوری آمریکا در شرایطی از آمادگی برای دعوت همتای اوکراینی خود سخن می‌گوید که واشنگتن پیش‌تر از ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه نیز برای حضور در این اجلاس دعوت کرده است. اگرچه هنوز نشانه‌ای قطعی از برگزاری دیدار سه‌جانبه وجود ندارد، اما احتمال حضور رهبران دو کشور در یک نشست بین‌المللی، می‌تواند فرصتی تازه برای آزمودن مسیر مذاکره فراهم کند.

چراغ سبز از مارالاگو

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از آناتولی، ترامپ روز شنبه در پاسخ به پرسش خبرنگاران در اقامتگاه مارالاگو در فلوریدا درباره احتمال دعوت از زلنسکی اعلام کرد که با چنین اقدامی مخالفتی ندارد. قرار است آمریکا روزهای ۱۴ و ۱۵ دسامبر میزبان نشست سران گروه ۲۰ در میامی باشد. مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا نیز تأکید کرده که تصمیم نهایی درباره دعوت از رئیس‌جمهوری اوکراین بر عهده ترامپ است و در صورت کمک به پیشبرد تلاش‌های دیپلماتیک، چنین گزینه‌ای بررسی خواهد شد. بااین‌حال، هنوز دعوت‌نامه رسمی برای زلنسکی صادر نشده است. این تفاوت اهمیت دارد؛ زیرا اعلام آمادگی سیاسی با تصمیم قطعی برای برگزاری مذاکرات صلح یکسان نیست.

فرصت دیپلماسی در حاشیه اجلاس

گروه ۲۰ اساساً نهادی برای هماهنگی اقتصادی قدرت‌های بزرگ جهان است، اما نشست‌های آن همواره فرصتی برای دیدارهای سیاسی و دیپلماتیک نیز فراهم کرده‌اند. اوکراین عضو این گروه نیست، بااین‌حال نمایندگان آن پیش‌تر به‌عنوان مهمان در برخی نشست‌ها حضور داشته‌اند.

به گزارش رویترز، زلنسکی در اواسط اکتبر احتمال داده بود که گفت‌وگوهای اوکراین، روسیه و آمریکا در حاشیه اجلاس میامی برگزار شود؛ هرچند تأکید کرده بود واشنگتن و مسکو هنوز چنین دیداری را تأیید نکرده‌اند.

از این منظر، دعوت احتمالی زلنسکی می‌تواند زمینه تماس‌های دیپلماتیک را فراهم کند، بدون آنکه لزوماً به معنای توافق طرف‌ها بر سر دستور کار مذاکرات باشد.

محاسبات متفاوت سه بازیگر

برای ترامپ، برگزاری نشستی با حضور رهبران روسیه و اوکراین می‌تواند فرصتی برای نمایش نقش میانجی‌گرانه واشنگتن باشد. او بارها از تمایل خود برای پایان دادن به جنگ سخن گفته و اکنون نیز نسبت به چشم‌انداز دستیابی به توافق ابراز خوش‌بینی کرده است. اما مسکو و کی‌یف با محاسبات متفاوتی وارد چنین روندی می‌شوند. روسیه خواهان توافقی است که ملاحظات امنیتی و دستاوردهای مورد ادعای خود را در بر گیرد، درحالی‌که اوکراین بر حفظ حاکمیت ملی و دریافت تضمین‌های معتبر امنیتی تأکید دارد. همین اختلاف‌ها سبب شده تلاش‌های دیپلماتیک پیشین، با وجود برگزاری مذاکرات متعدد، به راه‌حلی پایدار منجر نشود.

اروپا و نگرانی از توافق بزرگ

یکی دیگر از ابعاد مهم تحولات اخیر، جایگاه کشورهای اروپایی در مذاکرات احتمالی است. دولت‌های اروپایی که بخش مهمی از حمایت‌های مالی و نظامی اوکراین را تأمین کرده‌اند، نگران‌اند توافقی میان واشنگتن و مسکو بدون توجه کافی به منافع امنیتی آنان شکل بگیرد.

اختلاف‌های اخیر در نشست وزیران خارجه گروه ۲۰ نیز نشان داده که جنگ اوکراین همچنان یکی از عوامل اصلی شکاف میان روسیه و کشورهای غربی است.

بنابراین، حتی اگر ترامپ موفق شود زمینه دیدار پوتین و زلنسکی را فراهم کند، دستیابی به توافقی قابل اجرا نیازمند بررسی نقش اروپا، تضمین‌های امنیتی و سازوکار نظارت بر تعهدات خواهد بود.

فاصله دعوت تا توافق

مهم‌ترین مانع در مسیر صلح، صرفاً نبود فرصت دیدار نیست؛ بلکه اختلاف بر سر محتوای توافق احتمالی است. موضوعاتی مانند آینده مناطق مورد مناقشه، ترتیبات امنیتی اوکراین، تحریم‌های روسیه و چگونگی اجرای آتش‌بس همچنان نیازمند مذاکرات دشوار هستند. در چنین شرایطی، نشست میامی ممکن است به نقطه آغاز گفت‌وگوهای جدی‌تر تبدیل شود یا صرفاً فرصتی برای رایزنی‌های مقدماتی باقی بماند. تجربه مذاکرات گذشته نشان می‌دهد حضور رهبران در یک مکان، به‌تنهایی تضمینی برای دستیابی به تفاهم نیست. موفقیت دیپلماسی به میزان آمادگی طرف‌ها برای پذیرش تعهدات متقابل و ایجاد سازوکارهای اجرایی بستگی دارد.

آزمون تازه برای ترامپ

در مجموع، چراغ سبز ترامپ به دعوت از زلنسکی را باید نشانه‌ای از تلاش واشنگتن برای باز نگه داشتن مسیر دیپلماسی دانست، نه اعلام قریب‌الوقوع بودن پایان جنگ. اجلاس گروه ۲۰ می‌تواند امکان تماس مستقیم یا غیرمستقیم میان طرف‌های درگیر را افزایش دهد، اما تبدیل این فرصت به توافقی پایدار، مستلزم کاهش اختلاف‌های بنیادین است. برای رئیس‌جمهوری آمریکا نیز تفاوت مهمی میان برگزاری یک دیدار پرخبر و دستیابی به نتیجه‌ای عملی وجود دارد. اگر نشست میامی بتواند به تدوین دستور کاری مشخص برای مذاکرات منجر شود، گامی مثبت در مسیر کاهش تنش خواهد بود. در غیر این صورت، احتمال دارد این رویداد نیز به فصل دیگری از دیپلماسی پرسروصدایی تبدیل شود که هنوز نتوانسته راهی برای پایان یکی از طولانی‌ترین بحران‌های امنیتی اروپا پیدا کند.

